

شهید ما تا ابد، زنده است

احمد عدالتیان! در ایام تشییع و تدفین قائد امت، رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، دوآیه را باهم تلاوت می‌کنیم. خداوند متعال در آیه ۱۵۴ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَتَقُولَنَّ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَةُ نَجَّيْنَاهُ مِنْ يَدِ اللَّهِ أَفَئَاتُ بَلْ أَخْبَاءُ وَلَكِنْ لَا تَشْفَعُونَ، به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید، بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما در نمی‌یابید.» همچنین در آیه ۱۶۹ سوره آل عمران، این نکته را با بیان دیگری می‌فرماید: «وَلَا تَحْشَبُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار روزی داده می‌شوند.»

جایگاه شهادت آن قدر رفیع است که در روایات آمده است بالاتر از هر نیکی، نیکوتری وجود دارد؛ مگر شهادت که هرگاه شخصی شهید شود، بالاتر از آن، خبری متصور نیست؛ همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام (ص) وقتی شنیدند که شخصی در دعا می‌گوید خدایا! بهترین چیزی را که از تو درخواست می‌شود به من عطا کن، فرمودند: «اگر این دعا مستجاب شود، در راه خدا شهید می‌شود.»

اما این دوآیه یادآوری می‌کند که شهادت، پایان زندگی نیست، بلکه آغاز حیات است. شهدا نه تنها نامشان یا آثار کارهایشان زنده و باقی است، بلکه زندگی واقعی برزخی هم دارند؛ زندگی که در آن رزق و شادی و بشارت است؛ یعنی زندگی در جوار رحمت خدا که در آن، حزن و ترس راه ندارد. بر مبنای همین آیات قرآن است که شهیدان را زنده می‌دانیم، به شهدای راه اسلام، شهدای کرپلا و رهبر شهیدمان سلام می‌کنیم و درودی می‌فرستیم و امیدواریم که در روز قیامت، ما را شفاعت کنند.

حکمت

وقتی هیچ‌کس صدایت را نمی‌شنود...

علیرضا وکیلی! همه ما دست‌کم یک‌بار این حس را تجربه کرده‌ایم؛ وقتی حقی از ما ضایع شده اما کسی حرفمان را باور نکرده است. کارمندی که زحمتش نادیده گرفته می‌شود، همسری که مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد، دانش‌آموزی که بی‌دلیل سرزنش می‌شود یا حتی راننده‌ای که مقصر نیست اما باید خسارت بد دهد. در چنین لحظه‌هایی، اولین سؤال این است: حرفم را به چه کسی بزنم؟ بسیاری از ما ابتدا سراغ اطرافیان می‌رویم؛ گاهی هم گلایه را در فضای مجازی منتشر می‌کنیم. اما امام سجاد(ع) در آغاز دعای چهاردهم صحیفه سجاده، راه دیگری را پیش روی ما می‌گذارد، راهی که پیش از هر اقدام دیگری، دل را آرام می‌کند.

امام سجاد(ع) در دعای چهاردهم صحیفه سجاده به چه هنگام روبه‌رو شدن با ظلم یا مشاهده ستم می‌خوانند، می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَغْتَدِرُ إِلَيْكَ مِثْنَ مَظْلُومٍ ظَلَمْتُ بِخُسْرَتِي فَلَمْ أَتُضَرَّهُ... خدایا! از تو پوزش می‌خواهم اگر در حضور من به کسی ستمی شده است و من او را یاری نکرده باشم.» این آغاز یک درس بزرگ دارد، امام پیش از هر سخنی با مردم، رو به خدا می‌ایستد. یعنی نخستین پناهگاه انسان مؤمن، کسی است که همه حقیقت را می‌بیند و هیچ ظلمی از نگاه او پنهان نمی‌ماند.

شاید گفته شود مگر شکایت نزد خدا چه مشکلی را حل می‌کند. پاسخ این است که دعا، جای تلاش و پیگیری حق را نمی‌گیرد، بلکه به انسان آرامش، امید و قدرت تصمیم درست می‌دهد. کسی که دلش را با خدا در میان می‌گذارد، کمتر گرفتار عصبانیت، انتقام جویی یا تصمیم‌های عجولانه می‌شود. او می‌داند که حتی اگر هیچ‌کس حرفش را نشنود، خدا شاهد ما جراست.

در زندگی روزمره، گاهی یک پیام نا عادلانه در فضای مجازی، آبروی انسان را می‌برد، گاهی در محیط کار، زحمات فرد به نام دیگری ثبت می‌شود و گاهی در خانواده، سوء تفاهمی باعث می‌شود که کسی متهم شود. اگر نخستین واکنش ما فقط خشم و گلایه باشد، ممکن است اشتباه دیگری بر اشتباه اول اضافه کنیم. اما اگر پیش از هر اقدامی، چند دقیقه با خدا سخن بگوییم، نگاه ما به مسئله عوض می‌شود و راه حل عادلانه‌تری پیدا خواهیم کرد.

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «اتَّقُوا دُعَاةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهَا لَيْسَ بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ، از دعای مظلوم بترسید، زیرا میان آن و خدا، هیچ پرده‌ای نیست.»

در نخستین گام از این سلسله مطالب از دعای چهاردهم صحیفه سجاده، به امام به ما می‌آموزد که انسان تنها، بی‌پناه نیست. شاید همه درها بسته باشد، اما در گفت‌وگو با خدا همیشه باز است و همین باور، آغاز آرامش و مقدمه یافتن بهترین راه، برای گرفتن حق است.

احکام محرم

پول نذر را دقیقا کجا باید هزینه کرد؟

علیرضا وکیلی! بسیاری از مؤمنان، به عشق حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، مالی را برای آن حضرت نذر می‌کنند تا در راه عزاداری، خدمت به زائران یا دیگر امور خیر هزینه شود اما گاهی پس از انجام نذر، این پرسش پیش می‌آید که آیا این مال فقط باید برای اطعام عزاداران مصرف شود یا می‌توان آن را در دیگر امور مرتبط با امام حسین(ع) نیز هزینه کرد؟ پاسخ این مسئله به نیت نذرکننده و فتوای مرجع تقلید بستگی دارد. اگر کسی مالی را نذر شرعی امام حسین(ع) کند، مصرف آن از نظر مراجع تقلید چنین است:

نظر آیت‌الله‌العظمی شهید خامنه‌ای

در فرض مذکور جایز است در هر کار خیر اعم از صدقه به فقرا، ساخت و تعمیر مسجد، اطعام عزاداران، برگزاری عزای آن حضرت و... صرف شود؛ با قصد اینکه ثواب آن به منذورله (همان امام معصوم) برگردد؛ هرچند بهتر است که صرف مخارج حرم، زائران و خادمان آن امام شود؛ البته اگر نذر مقید به مصرف خاصی است، باید طبق همان عمل شود.

نظر آیت‌الله‌العظمی سیستانی

باید آن مال را به مصرفی که هنگام نذر قصد کرده است، برساند اما اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به‌گونه‌ای هزینه شود که مناسبتی با آن حضرت داشته باشد؛ مانند هزینه برای زائران نیازمند، مصارف حرم، برگزاری مجالس عزاداری یا سایر اموری که موجب بزرگداشت نام آن حضرت باشد.

نظر آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

اگر چیزی برای خود امام(ع) یا امام‌زاده نذر کرده است، بی‌آنکه نام حرم را ببرد، می‌تواند علاوه بر مصارف حرم مانند تعمیرات، فرش، روشنایی و خادمان، آن را صرف مجالس عزاداری، نشر آثار اهل بیت(ع)، کمک به زائران یا هر کار دیگری که ارتباطی با آن حضرت داشته باشد، بکند. در نذر برای امام حسین(ع)، مهم‌ترین معیار، نیت نذرکننده و مفاد نذر است. اگر مصرف خاصی تعیین شده باشد، باید دقیقا همان مورد رعایت شود، اما اگر نذر به‌صورت کلی برای آن حضرت باشد، در بسیاری از امور خیری که به ترویج نام و راه سیدالشهدا(ع) و خدمت به عزاداران و زائران ایشان مربوط است، قابل هزینه خواهد بود.



کتاب شهید ایران

شهریار

3شنبه
۱۲ تیر ۱۳۹۵
۱۲ شهریور ۱۳۹۸
شماره ۱۴



شهریار

آبروی حقیقی در پرتو نور حسین(ع)

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِئَهَا بِالْحَسَنِ عَلَيَّ اللَّهُ الَّذِي أَنَا وَالْآخِرُ»

این فراز، دعایی است برای کسب آبروی حقیقی در پیشگاه خداوند، نه آبروی ظاهری و دنیوی. استاد طاهرزاده می‌گوید که منظور از «وجیه» شدن در اینجا، آن نوع آبروهایی اجتماعی و موقعیت‌های فریبنده دنیاست، بلکه آبرویی است که در سایه نور امام معصوم(ع) و با توسل به مقام والای حسین بن علی(ع) به دست می‌آید. همان‌گونه که خود حضرت سیدالشهدا(ع) هرگز به دنبال آبروی ساختگی نزد اهل دنیا نبود و فقط به وظیفه الهی خویش عمل کرد، مؤمن نیز باید از ایشان الگو بگیرد و از خداوند بخواهد که در پرتو آبروی حسین(ع)، او را در دنیا و آخرت آبرومند کند.

این آبرومندی، حقیقی‌ترین نوع آبرو در عالم هستی است و ریشه در ولایت و عشق به اهل بیت(ع) دارد. زمانی که انسان این فراز را با توجه قلبی زمزمه می‌کند، درحقیقت از خدای خواهد او را در زمره کسانی قرار دهد که آبرویشان نه از مردم، بلکه از مقام قرب الهی سرچشمه می‌گیرد. این همان مسیری است که امامان معصوم(ع) برای شیعیان ترسیم کرده‌اند تا از ظاهر عبادی و عزاداری فراتر بروند و به عمق معنویت و سیر روحانی دست یابند و در پناه نور اهل بیت(ع)، از خداوند طلب آبرومندی حقیقی کنند.

دریچه تقرب، محویت حسین(ع) در سیر الی‌الله

این فراز از زیارت عاشورا، حقیقتی بنیادین را در مکتب تشیع آشکار می‌سازد؛ «تمام دریچه‌های تقرب به خدا و اولیای الهی، از محویت عشق به امام حسین(ع) می‌گذرد.» نویسنده در کتاب یادشده، با تأکید بر این نکته می‌گوید که اگر می‌خواهید به خدا نزدیک شوید، این نزدیکی از طریق ارادت به امام حسین(ع) ممکن است. حتی تقرب به پیامبر اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع)، حضرت فاطمه(ص) و امام حسن(ع) نیز در سایه ارتباط با او معنا می‌شود. انگار تمام انوار ولایت در وجود حسین(ع) تجلی یافته و از آنجا به سایر حضرات معصومان(ع) سرایت کرده است. به تعبیر متن، «تشیع، مکتب عشق است» و این عشق، شعله‌ای است که حسین(ع) در کرپلا فروخت تا هر قلب سالمی بتواند با آن به خدا برسد. لذا زیارت عاشورا برنامه عملی این سیر است؛ ابتدا حب و سپس بغض در مسیر تقرب و همه از دریچه اباعبدالله(ع).

درسی از زیارت عاشورا؛ برپایه تحلیل‌های کتاب «زیارت عاشورا، اتحاد روحانی با امام حسین(ع)»، از استاد اصغر طاهرزاده

خون خواهی همراه با امام هدایتگر

سمانه رضوانی

سمانه رضوانی! زیارت عاشورا، تنها یک دعا و زیارت صرف نیست، بلکه یکی از سند‌های هویتی شیعه است این زیارت، با زبانی ساده و عمقی بی‌نهایت، انسان را به جایگاهی می‌کشد که میان عاطفه و بصیرت، عشق و برانث، و بندگی و قیام، پیوندی جدانشدنی برقرار می‌کند. این شرح برپایه تحلیل‌های کتاب «زیارت عاشورا، اتحاد روحانی با امام حسین(ع)» از استاد اصغر طاهرزاده، تنظیم شده است. در این نگاه، زیارت عاشورا فقط متن سوگواری نیست، بلکه متنی است هویت‌ساز که انسان را از احساس صرف عبور می‌دهد و به موضع آگاهانه در جبهه حق می‌رساند. در این متن، امام حسین(ع) محور تقرب به خدا، معیار تشخیص حق از باطل و نقطه پیوند انسان با تاریخ الهی، نشان داده می‌شود. فرازهای زیر نشان می‌دهند که چگونه محبت به اهل بیت(ع) در زیارت عاشورا، با برانث از ظلم و ظلم‌پیشگان، پیوندی عمیق و جدانشدنی دارد.



عکس تهیه‌شده توسط شهید ایران

خون خواهی شهید در آینه زیارت عاشورا

«وَأَنْ يَثْبُتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صَدَقَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»
«وَأَنْ يَثْبُتَ لِي الْقَامُ الْمَقَامُ الْمُعْتَمَدُ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»
«وَأَنْ يُزَيِّنَ ظِلِّي نَارِي مَعَ إِمَامٍ هَدَى ظَاهِرَ ظِلِّي بِالْحَقِّ مَنُكُم»

طاهرزاده در این فراز، بر جرئت عجیبی که این زیارت به انسان می‌دهد، تأکید می‌کند. زائر پس از برانث از دشمنان و مودت به اولیای الهی، سه درخواست بزرگ را از خداوند مطرح می‌سازد، نخست، ثبات قدم در کنار امامان معصوم را در دنیا و آخرت طلب می‌کند.

امروز که ایران اسلامی در سوگ از دست دادن رهبر فرزانه خود، آیت الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای، به سوگ نشسته است، ما شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت(ع) وظیفه داریم در مسیر آرمان‌هایی که ایشان برای آن جان دادند، ثابت قدم بمانیم و راهشان را ادامه دهیم؛ همان‌گونه که زائر حسین(ع) از خداثبات قدم می‌خواهد، ما نیز از خدا می‌خواهیم که در راه اسلام و انقلاب که آقای شهید تا آخرین نفس برای آن کوشید، پایدار باشیم. سپس از خداوند، مقام محمود را درخواست می‌کند، مقامی که قرآن به پیامبر اکرم(ص) وعده داده است و به فرمایش بزرگان، همان مقام شفاعت و ولایت است.

ما سومین و مهم‌ترین درخواست، طلب خون خواهی همراه با امام هدایتگر و حق‌گوست. امروز که خون پاک قائد شهید امت توسط دشمن خونخوار بر زمین ریخته شده است، وظیفه ما شیعیان، خون خواهی از این شهید بزرگوار است. همان‌گونه که عزاداری برای سیدالشهدا(ع)، به گریه و عزاداری ظاهری خلاصه نمی‌شود و باید به سیر روحانی و خون خواهی از ظالمان منجر شود، امروز نیز عزاداری برای رهبر شهید انقلاب و خون خواهی از دشمنانش، با سوگواری و شعار صرف محقق نمی‌شود، بلکه باید با بصیرت، اتحاد و مقاومت در برابر دشمنان، راه ایشان را ادامه دهیم و برای روزی آماده شویم که از همه ظالمان و غاصبان، انتقام خون پاک شهدای راه ولایت و مقاومت را بگیریم. این همان مقامی است که زیارت عاشورا به ما جرئت می‌دهد تا آن را از خداوند طلب کنیم و به ما یادآوری می‌کند که بزرگی هر انسان به بزرگی اهداف اوست.

الگوی جامع تربیت در پرتو سیره امام حسین(ع)؛ محبت، تشویق و حق انتخاب

چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواج‌های تحمیلی پرهیز کرد. حسن(ع) فرزند امام حسن مجتبی(ع)، یکی از دختران امام حسین(ع) را خواستگاری کرد. امام حسین(ع) به او فرمود: «اختر یا بنی اجتهما لی، فرزندم! هرکدام را بیشتر دوست داری، انتخاب کن.» فرزند امام مجتبی(ع) شرم کرد و جوابی نداد. آن‌گاه امام حسین(ع) فرمود: «من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده‌ام، زیرا او به مادرم فاطمه، دختر رسول خدا(ص)، شبیه‌تر است.»

۴. نقش آزادی و انتخاب در تربیت فرزندان

خداوند، انسان را آزاد آفرید و قدرت اراده و انتخاب به او بخشید تا در پرتو آن، از میان راه‌های مختلف، مسیر صحیح را برگزیند. آنچه انسان در پرتو شناخت و بدون اکراه و اجبار برگزید، در راه تحقق و دستیابی به آن، تا پای جان می‌ایستد. عنصر آزادی و بجا و انتخاب درست در تربیت، عنصری گران‌بها و کارآمد است؛ در تربیت فرزندان، اجبار ثمری نمی‌بخشد، والدین و مربیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود، راه صحیح را برگزینند تا بر آنچه بحق برگزیده‌اند، پایبند و استوار باشند. از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشورا، صحنه آزادی و انتخاب راه بود. امام حسین(ع) با اینکه در کرپلا به شدت نیازمند داشتن یاور هستند، با کمال صداقت و راستی، فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد می‌گذارد و با اینکه بر فرزندان خود حق بزرگ دارند، هیچ‌گاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نمی‌کنند. از این روست که می‌بینیم آنان نیز که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند، در راهش تا آخرین نفس ایستادند و جان خویش را فدای راهش کردند. «ابی حمزه ثمالی» از علی بن الحسین(ع) نقل می‌کند که در شب عاشورا، پدرم اهل و فرزندان و اصحاب را جمع کرد و خطاب به آنان فرمود: «ای اهل و فرزندان وای شیعیان من! از فرصت شب استفاده کنید و جان‌های خود را نجات دهید... شما در بيعتی که با من بسته‌اید، آزاد هستید...» نیز آن حضرت هنگامی که «عبدالله»، فرزند «مسلم»، نزد ایشان آمد و اجازه میدان طلبید، فرمود: «شما در بيعت با من آزاد هستید، شهادت پدرت کافی است، تو دست مادرت را بگیر و از این معرکه خارج شو!» عبدالله عرض کرد: «به خدا سوگند من از کسانی نیستم که دنیا را بر آخرت مقدم دارم!»

برانث و مودت؛ ۲۰بال پرواز به سوی قرب الهی

«يَرْثُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمَوَاتِكُمْ وَمَوَالِيكُمْ»
در این فراز از زیارت عاشورا، آقای طاهرزاده به نکته‌ای اساسی در مسیر سیر و سلوک اشاره می‌کند؛ تقرب به خدا و اولیای الهی، بدون «برانث» از دشمنان اهل بیت(ع) ممکن نیست. همان‌گونه که «مودت» و محبت به امام حسین(ع) دریچه ورود به نور ولایت است، «برانث» نیز پرده‌های ظلمت را از مقابل چشم دل برمی‌دارد. روح انسان با تکرار این دو عنصر در زیارت عاشورا، به تدریج از اردوگاه جریان‌های ضدقدسی جدا می‌شود و به سوی حقایق معنوی صعود می‌کند. تکرار زیارت، نه یک عادت، بلکه تغذیه جان و استحکام نور ولایت در دل است. تا زمانی که دل از دشمنان فرهنگ اهل بیت(ع) دوری نجوید، نور عصمت و طهارت در آن جای نمی‌گیرد. پس این برانث، نه کینه‌ورزی که شرط اساسی سلوک و آمادگی برای پذیرش انوار الهی است، شرطی که هرچند هزینه‌دار است، ثمراتش قرب به خدا و اتحاد روحانی با اولیای الهی خواهد بود.

جبهه زنده حسینی؛ اتحاد روحی با اولیای الهی

این فراز، از «جبهه حسینی» سخن می‌گوید؛ جبهه‌ای که سیدالشهدا(ع) گشودند و همواره زنده و فعال است؛ ورود به این جبهه، به معنای اتحاد روحانی با آن حضرت و تسلیم کامل در برابر راه و روش ایشان است. این اتحاد، از طریق عشق به دوستان اباعبدالله(ع) و تفرق از دشمنانشان محقق می‌شود. شرط اساسی این سیر، زیارت بابصیرت و شناخت کامل است، چنان‌که امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند ۴هزار فرشته را بر قبر حسین(ع) گمارده است که تا قیامت براو می‌گریند و هرکه با شناخت کامل او را زیارت کند، او را تا ما منمش، بدرقه می‌کنند.» تکرار فرازهای زیارت، نه امری عادی، بلکه تمرین دلدادگی و رفع حجاب‌های قلبی است. این تکرارها، روح را متمرکز می‌سازد و زمینه‌ساز توجه ملائکه و دریافت برکات الهی است. پس زیارت عاشورا فقط مجموعه‌ای از کلمات نیست، بلکه برنامه‌ای جامع برای تحقق اتحاد روحانی با امام و ورود به جبهه زنده اوست.

تربیت صحیح فرزندان از ضروری‌ترین وظایف پدر و مادر به‌شمار می‌آید. انجام دادن این وظیفه مهم، حساس و ظریف، بدون تکیه بر دیدگاه‌های صاحب نظران آگاه و مطمئن، ممکن نیست. ما معتقدیم که حضرات معصوم(ع) در همه ابعاد هدایتی و تربیتی، الگوهای کامل و مطمئنی به‌شمار می‌آیند و تکیه بر دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی آنان در مسیر تحقق وظیفه خطیر تربیت فرزندان، بهترین ره‌توشه است. معصومین(ع) همه، نور واحد بودند و هدف مشترک داشتند، ولی به اقتضای گوناگونی موقعیت‌ها در سیره تربیتی آنان، دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی گوناگون به چشم می‌خورد. کنار هم نهادن مجموعه از نظام تربیتی اسلام عرضه می‌کند. درمیان معصومان(ع)، امام حسین(ع) از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و این موقعیت، به زندگی و سیره تربیتی آن حضرت، برجستگی خاصی بخشیده است.

۱. اظهار محبت به فرزندان

محبت به فرزندان، امری درونی است که خداوند آن را در دل پدر و مادر به ودیعه نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و آثار تربیتی درپی دارد، ابراز آن است. این امر، اختیاری است و والدین و مربیان می‌توانند در پرتو آن، زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسایران والدینی که به فرزندان خود در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پردازند، گاه با درآغوش گرفتن و به سینه چسباندن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز.

امام حسین(ع) به عنوان یک الگوی تربیتی مطمئن و کامل.

محبت به فرزندان را، از نیازهای ضروری آنان می‌دانستند و در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداختند؛ گاه با درآغوش گرفتن و به سینه چسباندن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز.

۲. تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان

یکی از شیوه‌های تربیتی مورد اتفاق صاحب‌نظران عرصه تعلیم